فراخوان طراحی یادمان شهری ویژه ۱۸۰۰۰ شهید

سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد فراخوان طراحی یادمان شهری ویژه کنگره ملی ۱۸ هزار شهید استان خراسان رضوی را منتشر کرد. این فراخوان برای ارج نهادن به رشادت‌ها، فداکاری‌ها و پاسداشت مقام شهدا و ایثارگران و همچنین برنامه‌ریزی صورت گرفته درباره برگزاری کنگره ملی ۱۸ هزار شهید استان خراسان رضوی، منتشر شده و از تمام هنرمندان، طراحان و مجسمه‌سازان سراسر کشور دعوت به عمل آورده تا با ارسال طرح و پیشنهاد خود، در این رویداد شرکت کنند.
مهلت ارسال طرح‌ها تا پایان وقت اداری ۴ تیر ماه امسال است و همچنین هر هنرمند می‌تواند حداکثر ۳ طرح پیشنهاد دهد. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۸۴۱۳۹۰۰ تماس بگیرند.

۴ سریال جدید در راه شبکه نمایش خانگی

فیلم‌برداری سریال‌هایی که به دلیل شیوع ویروس کرونا نیمه تمام مانده بود در روزهای گذشته آغاز شده و به زودی فیلم‌برداری چند سریال تازه شبکه نمایش خانگی هم آغاز می‌شود. به این ترتیب می‌توان منتظر فصل جدیدی از پخش و توزیع سریال در شبکه نمایش خانگی بود. به گزارش فیلم‌نیوز، به تازگی ساخت سریال «آقازاده» به کارگردانی بهرنگ توفیقی و تهیه‌کنندگی حامد عنقا از سرگرفته شده و قرار است به زودی وارد شبکه نمایش خانگی شود. بعد از «آقازاده» سریال «قورباغه» ساخته هومن سیدی به بازار می‌آید. مهم‌ترین برگ برنده سریال، کارگردانی سیدی و ترکیب بازیگران سریال است. نیما اقلیما نیز در سکوت خبری فیلم‌برداری «سیاوش» را آغاز کرده است. میلاد کی‌مرام نقش اصلی این مجموعه را بازی می‌کند و این دومین همکاری اقلیما و کی رام پس از فیلم «امیر» است. پیش تولید سریال «گیسو» اثر منوچهر هادی نیز در روزهای گذشته از سرگرفته شده و به تازگی محمدرضا گلزار برای بازی در آن قرارداد امضا کرده‌است. همچنین «قبله عالم» حامد محمدی نیز دیگر سریالی است که به زودی تولیدش را آغاز می‌کند و سوژه آن از دوران قاجار گرفته شده‌است.

«دوربرگردون» در شبکه سه

برنامه تلویزیونی «دوربرگردون» با نگاهی طنز به مقوله رانندگی و فرهنگ ترافیک از هشتم خردادماه، پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها از شبکه ۳ پخش می‌شود. این برنامه تلویزیونی میزبان چهره‌های سینما و تلویزیون، ورزشکاران و شخصیت‌های مرتبط با رانندگی و فرهنگ ترافیک خواهد بود. یکی از ویژگی‌های برنامه تلویزیونی «دوربرگردون» اصلاح نقاط حادثه‌خیز کشور است. در پویش «دوربرگردون» با مشارکت مخاطبان پیج‌ها و تقاطع‌های پرتصادف اقصی نقاط کشور شناسایی شده و با همراهی و کمک مسئولان و خیران به اصلاح این نقاط اقدام خواهد شد. این برنامه در ۵۲ قسمت با اجرای عبدالله روا به عنوان یکی از برنامه‌های تابستانه شبکه ۳ سیما در جدول پخش این شبکه قرار گرفته است.

ادامه تصویربرداری «زمین گرم»

تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «زمین گرم» به کارگردانی سعید نعمتا... در تهران ادامه دارد. علیرضا خمسه، اصغر همت، نادر فلاح و کامران تفتی از بازیگران این سریال هستند. نعمتا... برای اولین بار کارگردانی سریالی را عهده‌دار شده و پیش از این به عنوان نویسنده فعالیت داشته است. «برادرجان»، «مدینه»، «میکائیل»، «خواب‌زده»، «زیر هشت» و «زیرپای مادر» از سریال‌هایی است که به قلم نعمت‌اله تهیه و تولید شده‌است.

اکران آنلاین «آنجا همان ساعت»

آخرین فیلم بلند سینمایی سیروس الوند به صورت آنلاین اکران می‌شود. سیروس الوند کارگردان سینما، درباره آخرین وضعیت اکران فیلم سینمایی «آنجا همان ساعت» به باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: «این فیلم را به صورت آنلاین نمایش می‌دهیم و تصمیمی برای اکران عمومی آن نداریم؛ چون در شرایط کنونی وضعیت اکران عمومی اصلا مشخص نیست.» در خلاصه داستان «آنجا همان ساعت» آمده است: «رعنا معلم مقطع ابتدایی و امیر کارگر کارگاه بلورسازی زندگی عاشقانه خود را در محله‌ای قدیمی و در حاشیه شهر آغاز کرده‌اند؛ غافل از آنکه شیطنتی جنون‌آمیز خوشبختی ساده آن‌ها را نشانه رفته است.» در این فیلم بازیگرانی چون پرویز پرستویی، ماهور الوند و شهرام حقیقت‌دوست نقش‌آفرینی می‌کنند.

در رقابت تلویزیون

گزیده‌ای از برنامه‌های شبکه‌های مختلف صدا و سیما که امروز ۷ خردادماه روی آنتن تلویزیون می‌روند.

نام فیلم	شبکه	ساعت
اولین نمایش	پنج	۹
مایا ببر مازندران	نمایش	۱۳
ردگیری	پنج	۱۳:۳۰
نیکو زنبوره ـ مسابقات عسلی	کودک	۱۴
یک پرونده عاشقانه	نمایش	۱۵
بهترینشان	نمایش	۱۷
فردیناند	امید	۱۷:۴۵
افسانه نارنیا (قسمت سوم)	نمایش	۱۹
پناهگاه	نمایش	۲۱
لانه خرگوش	نمایش	۲۳

علی روئین‌تن فیلمنامه زندگی و مبارزات شهید ابراهیم هادی را با حمایت بنیاد سینمایی فارابی می‌نویسد. ابراهیم هادی، از بنیانگذاران گروه چریکی شهید اندرزگو در جبهه گیلانغرب و از ورزشکاران شاخص کشورمان بود

شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۴شنبه
۰۷ خرداد ۱۳۹۹
۰۴ شوال ۱۴۴۱
شماره ۳۱۱۴

نقد فیلم در جامعه ما تبدیل به پرخاشگری شده‌است

هوشنگ گلمکانی منتقد سینما و دبیر نویسندگان مجله فیلم درباره جایگاه نقد در سینمای ایران صحبت کرده‌است. به گفته او جایگاه نقد در سینما اعتبار دادن به فیلم‌سازهایی است که آثار جدی و هنری می‌سازند. چون فیلم‌های تجارتی جوابشان را از گیشه می‌گیرند و فیلم‌های هنری از جشنواره‌ها و مراکز فرهنگی و منتقدان. گلمکانی در تعریف نقد به ایلنا گفته‌است: «نقد یعنی تحلیل؛ یعنی اینکه توضیح دهید این فیلم چطور اثری است. حتی مزخرف‌ترین و مبتذل‌ترین فیلم را هم می‌شود نقد کرد، تحلیل کرد و توضیح داد که این چطور اثری است و مختصات آن چیست. بدون پرخاش، فحش و فضیحت. اینکه چنین اثری در چه شرایط اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده است. هر کدام از نشانه‌شناسی‌های آن دلالت بر چه چیزی دارد. این یعنی نقد. گفتن اینکه فلان فیلم مقوایی است و فلان شخصیت درنیامده، کاری ندارد. منتقد باید توانایی تحلیل داشته باشد. باید بگوید این اثر مزخرف و مقوایی، چه ویژگی‌هایی دارد، حتی از حیث زیبایی‌شناسی‌اش که ممکن است زشت و سطح پایین هم باشد. بگوید حاصل چه شرایطی بوده و چطور به وجود آمده است؟ تناسب‌ها یا بی‌تناسبی‌های درونی آن چیست و تمام چیزهایی که منجر به تحلیل می‌شود را بیان کند. ما حتی اگر بخواهیم آثار جان فورد، هیچکاک یا هر اثر شاهکار دیگری را نقد کنیم، ابتدا باید توانایی تحلیل آثار آن‌ها را داشته باشیم، نه اینکه آن‌ها را تخریب کنیم.» این منتقد ناهنجاری‌های جامعه را دلیل گرایش جامعه به این مدل نقد دانسته‌است: «اگر من هر چیزی را دیدم بگویم مزخرف، آشغال و مقوایی بود و پرخاش کنم. بعد دیگران نیز درباره چنین منتقدی می‌گویند: بَه‌بَه چقدر منتقد واردی است و چقدر جسورانه نقد می‌کند و کسی که تحلیل می‌کند و توضیح می‌دهد به عنوان آدم محافظه کار معرفی می‌شود. اکنون نقد فیلم در جامعه ما تبدیل به پرخاشگری شده است. هر که پرخاشگرتر باشد منتقد بهتری است.»

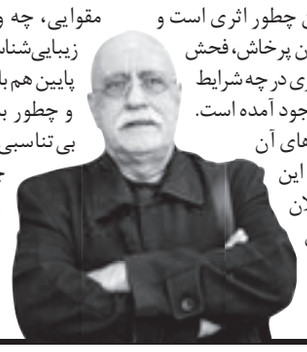

گفت‌وگو

در نسل جدید نقال و سیاه‌باز نداریم

گفت‌وگو با هادی عامل هاشمی، کارگردان، نویسنده و بازیگر خراسانی تئاتر

غلامرضا زوزنی
r.zouzani@shahraranews.ir

هادی، برادر بزرگ‌تر هدایت و علی عامل هاشمی، دو بازیگر خراسانی، سینما، تلویزیون و تئاتر، است که کمتر نام او را شنیده‌ایم. او متولد ۱۳۵۳ در سبزوار و همانند دو برادر دیگرش هنرمند است و در زمینه کارگردانی، نویسندگی و بازیگری تئاتر سال‌هاست در تهران فعالیت دارد. او پیش از اینکه پا به عرصه هنر بگذارد لیسانس فلسفه‌اش را از دانشگاه آزاد سبزوار گرفت و سال‌ها بعد فوق‌لیسانسش را نیز از دانشگاه سبزوار در رشته کارگردانی تئاتر و نمایش اخذ کرد.
بیست‌وسه سال است که به تهران هجرت و فعالیت هنری‌اش را از سالن‌های تئاتر پایتخت شروع کرده است. خودش می‌گوید در این مدت مستمر کار کرده و از راه تئاتر زندگی‌اش را گذرانده است. او گروه تئاتر «پاپتی‌ها» را در همان سال‌های ورودش به تهران راه‌اندازی کرد و هنوز هم با همان عنوان نمایش‌هایش را روی صحنه می‌برد. او همچنین چهار دوره است که به عضویت کانون کارگردانان خانه تئاتر ایران در آمده است.
هاشمی علاوه بر فعالیت هنری، در دانشگاه دولتی دامغان و دانشگاه پارس تهران تئاتر تدریس می‌کند. کارگردانی، بازیگری، تاریخ نمایش ایران و جهان سرفصل‌هایی است که او در دانشگاه تدریس می‌کند. «افسانه ببر» یکی از مشهورترین نمایش‌هایی است که او در تهران به روی صحنه برده و برادرش هدایت هم در آن نقش‌آفرینی کرده است. پدر برادران هاشمی (مهدی عامل هاشمی) که سر منشا گرایش فرزندانش به هنر است. کارمند جهاد کشاورزی بوده اما برای صدا و سیما برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مرتبط با کارش تولید می‌کرده است. حتی بعد از بازنشستگی هم کار تولید برای صدا و سیما را ادامه داده و در فیلم «امیر» به کارگردانی نیما اقلیما نیز به ایفای نقش پرداخته است. در ادامه گفت‌وگوی ما را با بزرگ‌ترین پسر خانواده هاشمی که در این روزهای کرونایی به صورت آنلاین برای دانشجویانش تئاتر درس می‌دهد، می‌خوانید.

جریان هنری که در خانواده‌تان به راه افتاد به دلیل فعالیت‌های پدرتان بود؟

بله. پدر حتی قبل از انقلاب و حتی قبل از اینکه ما به دنیا بیاییم مشغول کارهای هنری بود. در گروه‌های تئاتری مشهد فعالیت داشت. عکس‌هایی که از آن دوره فعالیتش به جا مانده نشان می‌دهد با محمد مطیع روی صحنه هستند. در دبیرستان حاج تقی آقابزرگ در محله نوغان مشهد و سالن هلال احمر تئاتر اجرا می‌کردند. پدرم نقاش زبردستی است. خطاط ممتاز کشوری است. عکاس خیلی خوبی هم هست. مقدمات نواختن ساز تنبک و سنتور را من پیش پدرم آموختم. همیشه در خانه ما صدای ساز و موسیقی بود و به یاد می‌آورم که پدرم خیلی حوصله داشت و وقت برای ما صرف می‌کرد. ما سه برادر انگشت کوچک پدرمان هم نشدیم.

شما زودتر دنباله‌رو راه پدر شدید یا برادرتان هدایت؟

فاصله سنی من و هدایت بسیار کم است. هر دو متولد سال ۱۳۵۳ هستیم. با هم یازده ماه فاصله سنی داریم. اکثرا گمان می‌کنند هدایت از من بزرگ‌تر است اما من فرزند ارشد خانواده هستم. به همین دلیل هم پدر به من توجه بیشتری داشت. ما فعالیت هنری را از کانون پرورش فکری شماره ۲ سبزوار شروع کردیم. بعد به مدرسه رفتیم و تئاتر را در آنجا به صورت حرفه‌ای‌تر دنبال کردیم. آن زمان فکر می‌کردیم باید کار و رشته تحصیلی‌مان جدای از هنر باشد. هنر برایمان فعالیت جنبی بود. مثل پدرم که مهندس کشاورزی بود و در کنارش کار هنری هم انجام می‌داد اما نخستین کسی که در خانواده تصمیم گرفت تئاتر بخواند هدایت بود. من هم بعد از اینکه فضای فعالیت هنری را در تهران مساعد دیدم تصمیم گرفتم تئاتر را ادامه بدهد. که بعدها در مقطع فوق‌لیسانس تئاتر خواندم.

اینکه شما در تئاتر ماندید و همانند هدایت به سینما و تلویزیون نرفتید انتخاب بود یا اتفاق؟

واقعا تئاتر انتخابم بود. دغدغه‌ام تئاتر بود و آن را دوست داشتم. تدریس تئاتر هم به دلیل همان علاقه‌ام به تئاتر است. تئاتر را خانه خودم می‌دانم. خیلی هم در بازیگری سینما و تلویزیون ادعا ندارم و همان دفعات معدودی که جلوی دوربین رفتم به خاطر برادرانم هدایت یا علی بود که با لهجه مشهدی هم صحبت کردیم. البته گاهی هم با خودم می‌گویم کاش بازیگری سینما و تلویزیون را انجام می‌دادم. الان می‌شود فهمید جلوی دوربین بودن حداقل به لحاظ مالی چقدر با پشت دوربین بودن متفاوت است. شما دستمزد بزرگ‌ترین و بهترین کارگردان در تئاتر ایران را با دستمزد بازیگری که کمی معروف است و یا فیلم‌هایش کمی می‌فروشد مقایسه کنید.
حتی هدایت هم از ابتدا انتخابش تئاتر بود. سال‌ها زحمت کشید. خاک صحنه خورد. دیده شد و بعد آقای فرمان‌آرا او را برای بازی در فیلم سینمایی «یک بوس کوچولو» انتخاب کرد. اول ما انتخاب کردیم و بعد انتخاب شدیم. واقعا وقتی ما در تهران بودیم هیچ کسی را نداشتیم و برای کارمان زحمت کشیدیم. مردم عادی شاید خوشی‌اش را می‌بینند اما مثل آواز دهل است که شنیدنش از دور خوش است.

چرا شما تاکنون در مشهد فعالیت حرفه‌ای تئاتر انجام ندادید؟

من در مشهد کار حرفه‌ای تئاتر انجام ندادم. حتی وقتی خانواده به دلیل کار پدر از سبزوار به مشهد کوچ کرد من برای گرفتن مدرک دیپلم یک سالی را در سبزوار ماندم. آن دوران من با گروه‌های سبزواری تئاتر ارتباط داشتم و برایم دشوار بود که در مشهد بخواهم دوباره این ارتباط‌ها را برقرار کنم. تنها ارتباطم با تئاتر مشهد حضور هنرمندان مشهدی در جشنواره‌ها بوده است.

با این حال شما چند سال پیش برای اجرای تئاتر «اخکندو» در مشهد اقدام کردید که به سرانجام نرسید.

بله . بابت آن کار که قرار بود در مشهد اجرا کنم اتفاقا متولیان تئاتر مشهد از این موضوع استقبال کردند اما انجام کارهای اداری برای به روی صحنه بردن «اخکندو» خیلی طولانی شد. متن و فیلم نمایش را دادم؛ تا متن را خواندند و فیلم را دیدند

تیر خلاص «زیر نظر» به کمدی

در باب هم‌صدایی کم‌سابقه منتقدان علیه «زیر نظر» که در شبکه نمایش خانگی توزیع شده است

محمد عنبرسوز

زندگی با سینما

نخستین تجربه مجید صالحی در مقام کارگردان سینما، قبل از تعطیلی سینماها اکران شد و در همان زمان نسبتا کوتاه، فروش قابل انتظاری را ثبت کرد. سازندگان «زیر نظر» در سال جدید و با توجه به شرایط حاکم بر گیشه، تصمیم گرفتند که اکران فیلم خود را به صورت آنلاین ادامه دهند. با این همه، در میان منتقدان و اهالی جدی‌تر سینما در نکوهش سبک کمدی این فیلم، اتفاق نظر درخور توجهی شکل گرفته است. احتمالا یکی از مهم‌ترین دلایل این واکنش‌های تند به «زیر نظر» را باید در سابقه دو تن از عوامل مهم آن جست‌وجو کرد؛ مجید صالحی به عنوان کارگردان و رضا عطاران در جایگاه نقش اول هر دو در فضای عمومی طنز ایرانی کمدین‌هایی کاربلد، مردمی و شریف محسوب می‌شوند. بنابراین احتمالا طرفداران سینما انتظار فیلمی با این میزان از حرمت‌شکنی را از هر کسی به جز این دو نفر داشته‌اند و تماشای «زیر نظر»، علاوه بر یادآوری فجایع فرهنگی سینمای کمدی، چهره دو تن از محجوب‌ترین‌های یکی دو دهه اخیر سینما و تلویزیون ایران را نیز نزد مخاطبان خدشه‌دار کرده است.
فیلم با یک ایده بی‌ادبانه آغاز می‌شود که از یک سو در خدمت ترویج فرهنگ منحط موسوم به «اعتیاد تفننی» قرار دارد و از سوی دیگر باب یک ماجراجویی لفظی را می‌گشاید؛ ماجرایی که در چند برهه مستعد آن است که رنگ و بوی فحاشی به خود بگیرد. «زیر نظر» قصه را از زندگی مجردی دو مرد متأهل به نام‌های حامد و امید آغاز می‌کند و گره‌افکنی فیلم‌نامه آن مدیون سوراخ ناشی از مصرف موادمخدر بر روی یک کاناپه است که باید هرچه زودتر فکری به حالش بکنند. همین گره احمقانه و رویارویی بی‌منطق دو شخصیت اصلی فیلم با معضل سوراخ کاناپه است که ترجیع‌بند انواع شوخی‌های رکیک کلامی در این فیلم واقع می‌شود تا کار از حد بگذرد و شوخی‌های فیلم شکل و شمایل بی‌حرمتی به خود بگیرند.
به لحاظ ایجاد موقعیت، «زیر نظر» فضایی نسبتا گرم دارد و نظر مخاطب را، لااقل در نیمه اول، جلب می‌کند اما در زمینه شوخی‌های کلامی، ضعف کمدی این اثر نمایان می‌شود و ترکیبی از دیالوگ‌های اروتیک دوپهلو با مجموعه صریحی از کلمات و جملات متعلق به ادبیات اعتیاد، فیلم را به قهقهرا می‌برد. فجیع‌ترین بخش فرهنگی «زیر نظر» اما، نه به متن فیلم‌نامه، بلکه به شیوه اجرای شخص کارگردان مربوط است؛ جایی که او با دو قاب کاملا وقیحانه از دو سکانس بستن دکمه شلوار حامد (رضا عطاران) و سکانس مصرف سه‌نفره موادمخدر با ارائه جزئیات و تفصیل کامل، مخاطب را بهت‌زده می‌کند؛ به طوری که این دو سکانس می‌توانند شانس کسب عنوان توهین‌آمیزترین سکانس سینمای ایران در سال‌های اخیر را داشته باشند.
با این همه، نحوه طراحی شوخی‌ها در «زیر نظر» از جهت خودبسنده بودن آن‌ها ارزشمند است و نقطه قوت اثر محسوب می‌شود. در حالی که این روزها اکثر کمدی‌های سینما و تلویزیون در ایران، لحن شوخی‌های خود را از دل شبکه‌های اجتماعی و استنداپ کمدی‌هایی وام می‌گیرند که عموما بر شبکه‌های اجتماعی نوشتاری مبتنی هستند، فیلم مجید صالحی طراحی همه شوخی‌هایش را خود بر عهده دارد. کاری به این نداریم که کمدی «زیر نظر» سخیف است؛ اما هرچه هست، از ذهن نویسنده و کارگردان بیرون آمده و حاصل نگرش خودشان است؛ به طوری که صفت کپی‌کاری به آن نمی‌چسبد.
از سوی دیگر اما، متلک‌پرانی به شخصیت‌های شناخته شده سیاسی یا کنایه زدن به هر چیزی که در فضای مجازی ترند می‌شود، یکی از روش‌های عموم کمدی‌های ایرانی سال‌های اخیر (از «مارموز» کمال تبریزی گرفته تا همین «پایتخت ۶» که نوروز امسال روی آنتن تلویزیون رفت) برای خنداندن مخاطب بوده است. «زیر نظر» اما، نه توجهی به پست‌های پربیننده فضای مجازی داشته و نه مایل است با اتخاذ ژست سیاسی، خودش را مهم‌تر از چیزی که واقعا هست، نشان دهد. این فیلم، برخلاف انتقادهای پرتعداد و مهمی که به جنس شوخی‌هایش وارد است، در مستقل ماندن از هیولای شبکه‌های اجتماعی خوب عمل کرده و مایل نیست با تظاهر به طرح موضوعاتی که پرداختن به آن‌ها در فضای عمومی ممکن نیست، برای خودش اعتبار و مخاطب جور کند. اثر کاملا آپارتمانی مجید صالحی البته چند موقعیت خوب و جذاب را هم طراحی می‌کند و مثلا از دل خراب بودن گوشی حامد یا اتصالی سنسور روشنایی شوخی‌های بامزه‌ای درمی‌آورد که متأسفانه تعدادشان محدود است و نمی‌توانند اثر را نجات دهند.
کارنامه مجید صالحی نشان می‌دهد او نه طنزپردازی است که ادعاهای هنری گزاف در مورد ساختن کمدی‌های ماورای فهم عموم مردم داشته باشد و نه هنرمندی است که خودش را در تله